

## ❖ راه حل دوم در کلام مرحوم آخوند:

«أن الحركات الخاصة ربما لا تكون محصلة لما هو المقصود منها من العنوان الذي يكون بذاك العنوان مقدمة و موقوفا عليها فلا بد في إتيانها بذاك العنوان من قصد أمرها لكونه لا يدعو إلا إلى ما هو الموقوف عليه فيكون عنوانا إجماليا و مرآة لها فإتيان الطهارات عبادة و إطاعة لأمرها ليس لأجل أن أمرها المقدمى يقضى بالإتيان كذلك بل إنما كان لأجل إحراز نفس العنوان الذي يكون بذاك العنوان موقوفا عليها.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. برخی از امور به شرطی مقدمه می باشند که دارای عنوان خاصی باشند مثلاً هر بلند شدن احترام نیست بلکه بلند شدنی که به قصد تکریم باشند عنوان احترام به خود می گیرد. حال اگر کسی گفت مقدمه فلان عمل احترام است، شما باید «بلند شدن با قصد تکریم» را به جای آورید.

۲. گاهی عنوان (مثلاً احترام) برای ما شناخته شده است ولی گاهی آن عنوان شناخته شده نیست، در این صورت باید ما وقتی بلند می شویم قصد کنیم که «به خاطر اینکه مولا امر کرده است» بلند می شویم. چراکه آنچه مولا به آن امر کرده است، همان عنوان مورد نظر است. پس ما چون عنوان را نمی شناسیم، به صورت اجمالی به آن عنوان اشاره می کنیم.

۳. پس اگر در اتيان طهارت، قصد می کنیم: «به جای می آوریم به خاطر اینکه امر غیرى به آن تعلق گرفته است» به این جهت نیست که امر غیرى چنین اقتضایی دارد [چراکه امر غیرى امر توصلی است] بلکه به خاطر این است که خواهیم طهارت ثلاث را دارای «عنوان لازم» کنیم و برای رسیدن به آن عنوان، راهی جز این نداریم.

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۱۱.



ما می گوئیم:

کلام مرحوم آخوند را از ۳ جهت می توان با اشکال مواجه کرد:

نخست اینکه اگر فعلی با قصد خاصی دارای عنوان می شود، باید آن امر خاص به تفصیل مورد قصد قرار گیرد و قصد اجمالی (به اینکه بگوئیم ما این کار را انجام می دهیم به قصد اینکه مولا امر کرده است) نمی تواند عنوان لازم را تحصیل کند. مثلاً اگر قرار است «بلند شدن» عنوان اعتراض یا احترام یا تحقیر را کسب کند، فقط با قصد همین عناوین است که چنین عنوانی حاصل می شود و با قصد اجمالی نمی توان عنوان را تحصیل کرد.

دوم اینکه اگر عنوان از قصد حاصل می شود (و از عناوین قصدی است) با وصف حاصل نمی شود کما اینکه اگر کسی قصد کند که بلند می شود همان نوع بلند شدنی که زید بر خواسته است ولی به قصد اینکه کمرش را تسکین دهد (و فرضاً زید به خاطر احترام برخواسته است)، احترام حاصل نمی شود.

سوم اینکه: آنچه مطرح شد، ثابت می کند که مکلف باید قصد امر غیری کند ولی این قصد - مطابق فرض مرحوم آخوند - نمی تواند موجب عبادت طهارات ثلاث شود. توجه شود که اشکال اصلی آن بود که قصد امر غیری نمی تواند موجب عبادی شدن عمل شود درحالیکه شما ثابت کرده اید لازم است قصد امر غیری شود.

اشکال بر راه حل دوم:

مرحوم آخوند خود از این جواب پاسخ می دهند:

و فيه مضافا إلى أن ذلك لا يقتضى الإتيان بها كذلك لإمكان الإشارة إلى عناوينها التي تكون بتلك العناوين موقوفا عليها بنحو آخر و لو بقصد أمرها و صفا لا غاية و داعيا بل كان الداعي إلى هذه الحركات الموصوفة بكونها مأمورا بها شيئا آخر غير أمرها أنه غير واف بدفع إشكال ترتب المثوبة عليها كما لا يخفى.<sup>۱</sup>

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۱۱.



توضیح:

۱. اولاً: برای کسب «عنوان» لازم نیست حتماً قصد کنیم «به خاطر امر بودن» را، چراکه ممکن است آن عناوین را به گونه ای دیگر به دست آوریم، مثلاً «قصد امر» را صفت برای عمل قرار دهیم و نه غایت عمل. [مثلاً: من آب میوه ای «که زید می خورد» را از مغازه دار طلب می کنیم. در این صورت غایت این کار، لذت بردن است ولی «که زید می خورد» عنوان مشیر و وصف است»  
[پس مکلف اگر بگوید به خاطر این که دل مردم را به دست آورم، آن نمازی را می خوانم که متصف است به اینکه شارع امر کرده است؛ قصد امر غیري نکرده است ولی عنوان را تحصیل کرده است.]  
۲. ثانیاً: این جواب نمی تواند، اشکال اول (ترتیب ثواب بر امر غیري) را حل کند.

